

غزه و لبنان، قضیه آری و نه!!

سرزمین ما به دلیل قرار گرفتن در چهارراه تاریخ، دائماً در معرض حمله و هجوم همسایگان و اقوام وحشی بوده و ساکنان آن سوز ستم و زهر ظلم و زور را با گوشت و پوست و استخوان خود حس کرده‌اند. درست است که ۲۵۰۰ سال دوام آورده‌ایم، اما دو سوم این مدت را تحت سلطه بیگانگان از ترکان غزنوی و سلجوقی و... گرفته تا ایلخانان و تیموریان و امثالهم بوده‌ایم و در يك سوم باقی مانده، شاهان مستبد خودی آنچنان بلائی سرمان آورده‌اند که روی بیگانگان را سپید کرده‌اند. بنابراین اگر در دنیا به مهمان پذیری و غریب نوازی و مظلوم پرستی شهره شده‌ایم، ریشه و زمینه تاریخی‌اش همین زندگی در ظلم و فهمیدن حال و هوای مظلومان است!

کشورهای عربی در دفاع از حقوق مردم فلسطین، تعلق و تعصب نژادی نیز دارند، ما با این که عرب نیستیم، از اولین ملت‌هایی بودیم که از آرمان فلسطین دفاع کردیم؛ قبل از انقلاب، در دورانی که روابط دو دولت ایران و اسرائیل، به رغم جنایات صهیونیست‌ها در صبرا و شتیلا و کفرقاسم و دیر یاسین و.... بسیار صمیمی بود، مسجد "هدایت" مرحوم طالقانی پایگاه جمع آوری کمک‌های انسان دوستانه به مظلومان فلسطین شمرده می‌شد و هدایای زیادی با وجود موانع دولتی برای آنها ارسال می‌گردید.

در آن ایام متخصصان عالی مقامی امثال دکتر مصطفی چمران، که موقعیت ممتاز علمی و شغل مهم و پُردرآمد خود در آمریکا را رها کرده و همراه همسر آمریکائی و فرزندان خود برای کمک به محرومین جنوب لبنان به آن دیار مهاجرت کرده و سالها در آن سرزمین خدمت و جانبازی نمود، وجود داشتند.

در دورانی که به دلیل جنگ داخلی و درگیری‌های میان کتائب و مسیحی‌های مارونی از يك سو و مسلمانان دوروزی و گروه‌های فلسطینی و سایر دستجات مسلح لبنانی از سوی دیگر نبرد جریان داشت و در آن ناامنی‌ها، طبیعیات شهر، بیمارستان‌ها را ترك کرده بودند، پزشکان متخصص اطفالی مثل خانم و آقای دکتر ضرابی (جلیل) با ترك آمریکا و سکونت در آن دیار، مدت‌های مدید کودکان محروم لبنانی را به رایگان درمان می‌کردند.

پزشکان دیگری از داخل کشور نیز، امثال دکتر ابراهیم یونسی (که چند سال قبل در خروج از جلسه‌ای سیاسی مظلومانه مورد تصادف با موتور قرار گرفت و جان باخت!!) بخش مهمی از درآمد خود را مخفیانه به لبنان می‌فرستادند. و مگر امام موسی صدر که محرومان جنوب لبنان را رهبری کرد و سامان داد يك ایرانی نبود؟

تنها دکتر شریعتی نبود که دوش به دوش رزمندگان الجزائری در مبارزه با فرانسه اشغالگر می‌جنگید و در پاریس مجروح و دستگیر شد، ایرانی اصیل از هر مظلومی در هر کجای جهان باشد، اگر بتواند دفاع می‌کند.

اینک چه شده است که بخشی از مبارزان ملت مظلوم ما که همیشه یاور محرومان مظلوم بوده‌اند، شعار: نه غزه، نه لبنان... "سر می‌دهند؟... مسلماً این شعار از ناحیه ملتی که خود چشم انتظار امداد جهانیان به نهضت سبز دارد، بی‌دلیل و از سر خودخواهی ملی و بی‌تفاوتی نیست.

شما ممکن است برای حمایت از محرومان، حتی از همه دارائی خود صرف‌نظر کنید و جانتان را نیز برای نجات آنها به خطر بیندازید، اما اجازه نمی‌دهید کسی جیب شما را برای کمک به همان مردم بزند! و مدیرتان بخش ناچیزی از حقوق اول ماهتان را بدون اجازه و کسب موافقت شما به مصرف خیر برساند! شما این کار را توهین به خود و دزدی تلقی می‌کنید و در برابر آن می‌ایستید.

گویا در نظام ولایت مطلقه فقیه که بر جان و مال و ناموس مردم ولایت شرعی دارد! نیازی دیده نمی‌شود از ملت برای بذل و بخشش از بیت‌المال نظرخواهی شود، ولی فقیه که خود را وکیل و وصی مردم و صاحب اختیار آنها می‌داند زحمت این کار را خود متقبل می‌شود!

البته اگر ملت ما نمایندگان خود برگزیده‌ای، به جای دست‌چین شدگان شورای نگهبان داشت، با توجه به منافع ملی، همچون آمریکا که همه ساله رسماً و علناً بودجه معینی را برای کمک به اسرائیل به تصویب می‌رساند، می‌توانست به صلاح‌دید ملت و نمایندگان‌ش به طور شفاف و علنی، به غزه و لبنان و هر کجای دیگر کمک کند، نه آن که شاهد نقل و انتقال میلیون‌ها دلار

بی‌زبان به مناطق عربی خاورمیانه و کشورهای در آفریقا یا آمریکای مرکزی باشد که نام بیشترشان راهم، که قرار است سیاهی لشکر رأی آنها در سازمان ملل، دولت ما را در اهداف ویژه‌اش یاری رساند! نشنیده باشد!

ولی فقیه و متولیان بر قدرت تکیه کرده ما خاصه خرجی و دست و دل بازی از کیسه ملت را جزئی از ولایت خود می‌دانند و فکر می‌کنند همین که نیت و قصد انشاءالله خیر! دارند کافی است. اما آن امامی که یکسره ولایت خود را به ولایت او می‌چسبانند، هنگام قبول ولایت، به مردمی که با ایشان بیعت می‌کردند فرمود:

"آگاه باشید که مرا هیچ اختیاری جز با موافقت شما نیست؛ آگاه باشید که کلیدهای اموال شما در اختیار من است، اما بدون اجازه و موافقت شما نمی‌توانم آن را مصرف کنم. آیا به این کیفیت راضی هستید؟"

"الا و انه لیس لی امر دونکم. الا ان مفاتیح مالکم معی الا و انه لیس لی ان اخذ دونکم، رضیتم؟"

در مدرسه که بودیم، معلم دینی ما داستانی را نقل می‌کرد. می‌گفت آدم ساده‌ای با سرقت از مغازه‌های مواد غذایی، آنها را میان گرسنگان تقسیم می‌کرد و به خاطر همین محروم نوازی‌هایش میان مستضعفان محبوبیت پیدا کرده و به عنوان نیکوکار بزرگ معروف شده بود.

امامی که از راز او آگاه شده بود، او را از این کار برحذر داشت و شرط قبولی کارخیر را انجام آن از مسیر درست شمرد. اما او که نمی‌خواست موقعیت مردمی‌اش را از دست بدهد، پاسخ داد: آیا نمیدانی که خدا برای هر کار بد يك جزا قرار داده و برای هر کار خیر ده برابر جزا می‌دهد؟! من برای هر عمل خود نه ثواب کسب می‌کنم!!

گویا متولیان ما فراموش کرده‌اند، خرج کردن از جیب ملت بدون رضایت اکثریت آنان، نه در بلند مدت به نفعشان است و نه عاقبت خوشی دارد. چرا که گفته شده: "خدا فقط از پروا پیشتگان می‌پذیرد".

می‌گویند مکان غصبی نماز ندارد. مردم غزه و لبنان نیز اگر بدانند این کمک‌ها را بدون اطلاع و رضایت اکثریت صاحبان مال دریافت می‌دارند، چه بسا برخی از آنان از دریافتش امتناع کنند!

ای بسا اگر مردم ما از این حاتم‌بخشی‌ها دل‌چرکین نبوندند، به اختیار و انتخاب خودشان پیشاپیش کاروان‌های دریائی که به غزه رفتند، دریادلی خودشان را بیش و پیش از همه در حمایت از مردم مظلوم غزه برای جهانیان به نمایش می‌گذاشتند.

عبدالعلی بازرگان
یازدهم تیرماه ۱۳۸۸